



<http://www.arianafghanistan.com>

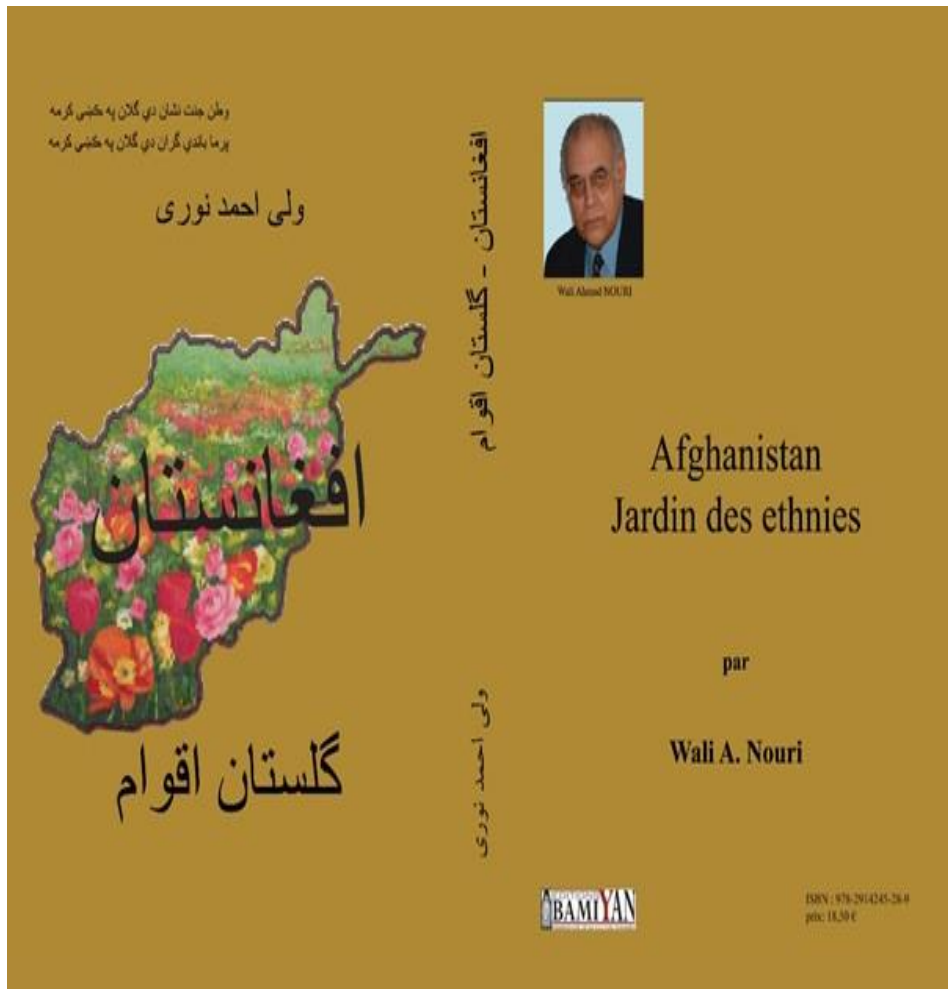


۲۰۱۸/۰۴/۱۲

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قسمت دوم



افغانستان گلستان اقوام

و گل‌باغ زبانها و سرهنگها

از دپلوم انجمن خلیل‌الله معروفی

یادداشت:

پیش از این، که دوست گرامی، وطنخواه و افغان دوست من، "جناب ولی احمد نوری"، تصمیم به نشر تمام مندرجات کتاب "افغانستان گلستان اقوام" در "آرینا افغانستان آنلاین" بگیرند، یادداشت آتی را به تاریخ ۲۳ مارچ ۲۰۱۸ نوشته بودم:

کتاب مُستطاب دوست عزیزم، مؤلف ارجمند، جناب ولی احمد نوری را ورق می‌زدم، که مجموعه ای ست از مقالات نویسندگان دیدهای متفاوت در یک موضوع. اولین مقاله زیر عنوان "افغانستان گلستان اقوام"، اتفاقاً از خامه این درویش تراویده و افتخار نشر را درین کتاب، که به عین عنوان مسما گشته، یافته است. چون این مقاله - مانند مقالات بسیار بیشمار دیگر - تاحال مجال نشر را در "آرینا افغانستان آنلاین" نیافته است، بر آن بودم، تا آن را به حیث پیک و برید سلسله مقالات "افغان، افغانی، افغانستانی" خود نشر نمایم. این مقاله را ازین خاطر در صدر این سلسله جای میدهم، که سلسله جنبان و مُتمِل وحدت ملی و برادری اقوام گرامی و همدل وطن محبوم، افغانستان، و بالاخر - "برادری و برابری تمام افراد این خاک پاک" - شمرده شده میتواند.

(خ. معروفی - برلین - ۲۳ مارچ ۲۰۱۸)

و اینک مقاله مؤرخ ۱۸ نومبر ۲۰۰۶ با اندک دستکاری املائی:
خطه مقدّس ما افغانستان، گلستانی را ماناست، که در آن هر قوم حکم گلی را دارد. همان گونه، که در "باغ گل" و "گل‌باغ" و "گلستان" انواع گل می‌رویند و هر گل زیبایی خاص خود را دارد، در حدی، که نتوان گفت، کدام گل قشنگتر است؛ اقوام عزیز وطن نیز گلهای رنگارنگ و مُعْتَبَر "گلستان افغانستان" اند، که هیچ یک را نمیتوان زیباتر و عنبرین‌تر از دیگری خواند. پس فرق در تفاوت زیباییها نیست، و اگر فرقی هست، فقط در کمیّت و تعداد گلهای هر نوع است.

همان گونه، که یک "گل" به تنهایی فقط یک گل است و شوکتِ "گلستان" را ندارد، اقوام عزیز ما نیز هیچ کدام به تنهایی، مُؤدّی و مُعَرّفِ سَطوت و عَظمتِ "گلستان و وطن" بوده نمیتوانند. به تحقیق و هرآینه، که زیندگی و زیبایی‌شان در "یکجای بودن" و "باهمی" ایشان است. "سربه هم آورده بودن" برگهای غنچه است، که غنچه را غنچه ساخته است، ورنه هر برگِ غنچه، برگی بیش نیست.

اقوام برادر این وطن را چون گلبرگهای یک گل باید شمرد، که نور "محور دل" جمع شده اند؛ و یا برگهای غنچه ای، که یکدل اند و همدل. و چه خوش فرمود شاعری شیرین کلام، که:

سربه هم آورده دیدم، برگهای غنچه را

اجتماع دوستان یکدم آمد به یاد

این "محور" و این "دل" چیزی دیگر نیست، مگر محور "هُویّت ملی" ما، که "هُویّت افغانی" ماست. در عالم کشورهای بسیاری را میتوان سراغ کرد، که متشکل از اقوام مختلف اند، ولی کم اند ممالکی با موزائیک زبانها و فرهنگهای کشور ما. اقوام وطن با وجود فرهنگهای متفاوت و خاص خود، همه زیر چتر یک فرهنگ عمومی و جمعی می‌آیند؛ زیر چتر "فرهنگ افغانی". دقیقاً همان گونه، که افغانان در پهلوی زبانهای خاص خود، به یکی از دو زبان بزرگ، فراگیر و رسمی وطن - دری و پشتو - و یا هردو، نیز تکلم میکنند و یا با آنها بلدیت عامّ و تامّ دارند. تنوع زبانها و فرهنگهاست، که به افغانستان، رونق و طراوت گلستانی داده و این موزائیک یکدل و یک‌محور را به وجود آورده است.

افغانستان گلستان اقوام



۱ - این بیتِ سخنگوی راه، که شاعرش را نمیدانم، از زبان پدر فاضل بزرگوارم - که خاطره عزیز شان را مُدام مُکرم میدارم - شنیده ام.

نشان دست و انگشت نقاش زبردست افغان مقیم پاریس - آقای حفیظ الله "پاکزاد" - را، که "گلستان وطن" را با قلم موی سحر خود روی پرده کشیده است، زیور این سطور ساختم. محترم پاکزاد اصلاً این اثر نقاشی خود را وقف کتابی زیر عنوان "افغان و افغانستان" ساخته اند، که به همت فرزندان برومند افغان، جناب ولی احمد نوری، زیر کار است و به زودی زود در دسترس افغانان و دیگر علاقه‌مندان افغانستان، قرار خواهد گرفت. از نوری صاحب بزرگوار سپاسگزارم، که اجازه دادند، تا "نقشه گلستانی" افغانستان، اورنگ و زیب این نوشته گردد.

تذکر:

اصلاً در نظر بود، که کتاب عنوان "افغان و افغانستان" را به خود بگیرد، اما بعد از اشاعه مقاله حاضر، قُرعه فال عنوان، به نام "افغانستان گلستان اقوام" زده شد.



استعمال نام "افغانستانی" جرم است

از

ولی احمد نوری

هم میهنان! صدای مؤدت عیان کشید چون مرغ حق ز شاخ محبت فغان کشید
در منزل شرافت وحدت، شوید جمع با دست باهمی همه دشمنان کشید

«باقی قابل زاده»

نوشته ای را که میخوانید از قلم يك پشتو زبان رقم نشده و نه از احساس تعصب و تفرقه افگنی تراوش کرده است، چه من با وصف آنکه از طرف والدین به هردو قوم شریف افغانستان یعنی پشتون و تاجک منسوب هستم، دری زبانم و نه تنها به این دو قوم وطنم بلکه به همه اقوام این سرزمین آبیایی ام افتخار و مباحات میکنم. تفرقه افگنی و صدمه به وحدت ملی را از هر طرفی که باشد با تمام قوت محکوم کرده مردود میشمارم.

با ایجاد افغانستان از طرف آبا و اجداد ما، و با ایثار و فداکاری و قربانی هزار ها تن، این سرزمین پرافتخار آبیایی به همت فرزندان و احفاد این مرز و بوم از اشغال و تعرض بیگانگان حفظ گردید. مجاهدین واقعی این میهن آزادگان با فدا نمودن جان های عزیز شان و با پذیرفتن آوارگی خانواده و فرزندان شان باز هم این وطن آزاده خود را از هر نوع تجاوز و تعرض نجات دادند.

از برای کسب قدرت خدمت غیر می کنند

شرم و عاری نیست یاران، آدم مزدور را

محمد آصف امانت

درین چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشریات خارج کشور عده ای در صدد آن اند که اصطلاحات فارسی ایران را به عوض کلمات سجه دری یا کلمات معمول عربی را که در زبان ما عجین شده است بکار برند که نه تنها خوش آیند نیست، بلکه رنج آور هم است. ولی تعویض کلمه "افغان" به "افغانستانی" بی اندازه نامانوس و غیر قابل پذیرش و توهین آمیز است.

این نام در سال های هشتاد میلادی بعد از کودتای فاجعه انگیز کمونیستی در کشور ما و در اثر لجام گسیختگی نشرات جهادی در خارج سرحدات ما گاه گاهی به نظر می رسید، ولی با تأسف تدریجاً با گذشت زمان از طرف دشمنان وحدت ملی و اجیران همسایه های طماع افغانستان بیشتر رائج گردید، تا اینکه از دایره احترام به کرامت افغانی پا فراتر نهاده و پیوسته دریک تعداد نشرات افغانی خارج به شمول هفته نامه "امید" و دیگر ایرانی مشرب ها و حتی در بعضی نشریه های داخل کشور هم به ملاحظه رسیده موجبات بیزاری و تنفر خاطر را ببار می آورد.

از نگاه حقوق عمومی بین الدول، اصولنامه ها و قوانین اساسی افغانستان منحیث وثایق ملی و اخیراً تصویب لوی جرگه سال ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ م) منعقد کابل نام "افغان" برای اتباع افغانستان تائید و تاکید شده است.

در میثاق ها و معاهدات بین المللی که افغانستان در پای آنها امضاء و تعهد کرده است، اتباع افغانستان بنام "افغان" یاد شده اند، نه "افغانستانی". آیا باید این همه میثاق ها، معاهدات و مقالات تعدیل گردند؟ و آیا تعدیل آنها تنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد پذیرش جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته میتواند؟

آثار، کتب، نوشته ها و مقالات، تحقیق ها و تیزس های لیسانس و دکتورا ها که از بیشتر از يك قرن در سراسر جهان در باره افغانستان نوشته و چاپ شده است و در همه آنها به تبعه افغانستان "افغان" اطلاق شده است، باید تعدیل گردند؟

آیا میشود نام "مستوره افغان" زن ادب پرور، آزادمنش و مبارز راه آزادی زنان افغانستان را بعد از یکصد سال [متولد ۱۲۸۷ هـ ش] تغییر داد و منبع "مستوره افغانستانی" * اش خواند؟

آیا میتوان سخنان شعرا و دانشمندان بزرگ افغانستان را، مثل علامه سلجوقی، خلیلی، سرور جویا، رحیم الهام، مولوی خسته، صدیق حیا و ... و ... که در باره این زن دانشمند افغان سه ربع قرن پیش زده اند و یاد او را گرامی داشته اند، به خاطر نوشته و یا گفته چند تن مردمان هرزه و فرومایه تعدیل نمود؟ آیا "خال محمد خسته" از گورش برخیزد و تذکره شعرايش را دوباره بنویسد؟ تا سبب رضایت این مفتنین گردد؟

آیا کتاب "پرده نشینان سخنگو" اثر "ماگه رحمانی" که بیش از نیم قرن قبل در کابل به چاپ رسیده، دوباره طبع گردد؟ آیا تذکره الشعراي حنیف بلخی را، تحت عنوان "پر طاووس یا شعر فارسی در آریانا" به خاطر ارضای چند نفر خارجی پرست تجدید چاپ کرد که نام "میر هوتک افغان" به "میر هوتک افغانستانی" عوض گردد؟

با نام بزرگمردی همچو سید جمال الدین افغان چه باید کرد؟ منبع سید جمال الدین افغانستانی اش باید خواند؟ نام آن فرهیخته مردی را "ویکتور هیوگو" بزرگترین شاعر و نویسنده فرانسوی به دوستی او می بالید باید تغییر داد؟ به خاطریکه باداران چند نفر خود فروخته، این خیانت را خواسته اند! (باز هم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف این سرزمین پاک!)

از برای جیفه دنیا و غصب مال و جاه

می کنی بازی به نام نیک افغان ای شقی

به لحاظ خدا بیابید این شعاری را که هشتاد سال پیش شاعر نابینای کشور ما مرحوم "باقی قایلزاده" که از هموطنان تشیع ماست و با چه احساس سروده است، ورد زبان خود سازیم و به آن عمل کنیم:

پشتون و تاجک و قزل و ازبک و مغل این اسم ها ر دفتر ملی روان کشید
فقط به نام ملت "افغان ستان" همه آئید جمع و مطلب خود شادمان کشید

در هفته نامه امید شماره (۶۲۶) صفحه ۱۲ ستون اول- حمل ۱۳۸۳ش) از زبان يك مامور عالی رتبه افغانستان در عوض نام "افغان" کلمه "افغانستانی" به نشر رسیده است.

اگر استعمال این کلمه از زبان این مامور عالی رتبه افغان را خبرنگار ایرانی (ایرنا) جعل کرده باشد و یا از طرف کارکنان جریده امید عمداً چنین تصرفی در خبر مذکور به عمل آمده باشد، اصولاً باید مسؤولین اطلاعات و کلتور در برابر آن عکس العمل جدی نشان دهند.

آیا میتوان پذیرفت که یکی از کاندید های ریاست جمهوری آینده افغانستان "آقای لطیف پدram" همکار نزدیک داکتر نجیب الله در رژیم کمونیستی که به (ایرانوفیل)** شهرت دارد، در تجمعات و یا به اصطلاح خودشان در نشست

* اجداد مرحومه مستوره افغان شاعره وطن پرست اهل تشیع وطن ازهرات بوده اند. خانواده مستوره افغان اهل فضل بوده و یک برادر ایشان مرحوم کریم نصرتی در شعر ید طولائی داشته و در قصیده سرائی امتیاز خاص داشت. از مرحوم کریم نصرتی اشعار فراوانی بیادگار مانده که امید روزی به زیور طبع آراسته گردد و بساط شعر دری را رنگین تر سازد.
** کلمه "ایرانوفیل" که وطنخواهان به لطیف پدram داده اند؛ بخاطر ایران پرستی او میباشد.

های ایرانیها در فرانسه هیچ وقت نام "افغان" را برای تبعه افغانستان بکار نبرد و یا مثل ایرانی ها "افغانی" بگوید که نام (واحد پول) افغانستان است نه نام تبعه آن! و یا "افغانستانی" بگوید که کلمه نامانوس و غیر قابل قبول است؟ و با آنها خودشان را برای بلندترین مقام دولت افغانستان کاندید نمایند.

ایا می شود که اتباع ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و قرغزستان و... و... را به نام ازبکستانی، ترکمنستانی، وقرغزستانی یاد کرد شاید الهام از کلمه پاکستانی باشد و یا هندوستانی. ولی این "ستانی" تا "ستانی" [پسوند] رائج شود، هر ولایت افغانستان خود را به با ایزاد "ستانی" (فلان ستانی) خواهند نامید. چنانچه چندین بار کوشش شده است که نام هزاره جات ما را به (هزارستان) عوض کنند و مزار را به مزارستان تجدید نام کنند.

نام "افغان" برای اتباع کشور افغانستان به رویت اسناد، کتب و نوشته های تاریخی بیشتر از دو صد سال سابقه دارد. از دوره (احمدشاه درانی) تا عصر (حامد کرزی) همین نام "افغان" برای اتباع این کشور قبول شده است. در سال ۱۹۲۱ میلادی این نام برای اولین بار به صورت رسمی به حیث نام تبعه افغانستان در وثیقه ملی کشور ما به نام نظامنامه ملی از طرف لوی جرگه پغمان که تحت زعامت اعلیحضرت امان الله خان افتتاح و تشکیل گردیده بود، تائید و رسماً پذیرفته شد. بعداً هم در قوانین اساسی که درین عصر با شکوه پایه گذاری شده همین نام "افغان" برای اتباع کشور ما بکار رفته است.

در آغاز قرن بیست و یکم باز هم لویه جرگه تاریخی ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ میلادی) که برای تائید قانون اساسی در کابل پایتخت افغانستان منعقد گردید، تبعه این مرز و بوم را "افغان" خواند.

در متن قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ ش. (۱۹۶۴ میلادی) دهه (طلایی) دیموکراسی در عصر شاهی مشروطه تحت زعامت اعلیحضرت (محمد ظاهرشاه) که قانون اساسی امروزی از آن استنباط گردیده، نام "افغان" برای تبعه افغانستان بیشتر از ده مرتبه بکار رفته است.

ما افغانها همانطوری که مکلفیت داریم از حقوق خویش بر اساس احکام و مواد این وثیقه ملی حفاظت و حمایت نماییم، باید همانطور مکلف باشیم که وجایب و وظایف خویش را نیز طبق احکام و مواد این وثیقه ملی احترام و اجرا نماییم، که بکاربردن نام "افغان" برای اتباع افغانستان یکی ازین وجایب است. [.. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود...] (بند سوم ماده چهارم فصل اول). و با بی احترامی به آن باید از طرف قانون و دیوان عالی قضاء و مردم مؤاخذه گردیم.

چراغ عقل را گر ما به مغز خود بر افروزیم

نباید کرد کاری بر خلاف رأی این ملت

سید حسین آشفته باختری

اقبال لاهوری شاعر متفکر نیم قاره در آغاز قرن بیستم گفته است:

آسیا یک پیکر آب و گل است

ملت افغان در آن پیکر دل است

آیا همین کافی نیست که ما همه باشندگان این کشور، از هر قوم و تباری که باشیم، به افغان بودن خود افتخار می نماییم؟ من این مقال را روی صفحه جهانی اینترنت میگذارم تا تمام افغان ها در هر گوشه و کنار جهان که باشند آنرا مطالعه نمایند، و آرزو دارم برای يك بار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی، روزنامه ها، مجلات، هفته نامه ها، و ماه نامه های داخل و خارج به چاپ برسانیم تا مردم افغانستان متوجه اهمیت این موضوع گردند. در انجام باز هم تکرار میکنم که من این نظر را از راه تعصب ننوشته ام، من در پی زبان هستم ولی به هر دو زبان نه تنها احترام دارم بلکه به آنها عشق می ورزم و اکثر مقالات، نوشته ها و آثاری که به طبع رسانیده ام یا زیر طبع است به زبان در پی نوشته ام، و سوگند یاد میکنم که از تفرقه اندازی نفرت دارم. پاریس اول می ۲۰۰۴ م

تبصره :

این نوشته در ماه می ۲۰۰۴ م در وبسایت های آتی جهانی اینترنت گذاشته شده است:

<http://www.afghanistanobserver.co>

<http://www.afghan-german.de>

<http://www.afghanreality.org>

<http://www.panafghan.com>

این مقاله در ماه های می و جون ۲۰۰۴ م در نشرات آتی افغانی در اقصای جهان چاپ گردید :

مجله "در دل افغان"، چاپ شهر کانکورد ایالت کالیفورنیای امریکا

جریده "کیوان" چاپ شهر سانفرانسسکو ایالت کالیفورنیای امریکا

هفته نامه "امید" شماره ۶۳۲ چاپ شهر الکساندریه ایالت ورجینیای امریکا

مجله "عقاب آریانا" شماره ۸۰ چاپ شهر میونشن جمهوریت فدرالی آلمان

مجله "صلح و افغانستان امروز" شماره ۱۴ چاپ شهر بن جمهوریت فدرالی آلمان

مجله "آیینة افغانستان" شماره ۹۵ چاپ شهر مان کلیر ایالت کالیفورنیای امریکا

جریده "ملی افغانی تولنه" (میاشتنی ملی خپرونه) په پشاور کشی

جریده "اراده" چاپ شهر کابل

جریده "افغان" رساله چاپ شهر آنتاریوی کانادا

جریده "زرنگار" چاپ شهر مانتریال کانادا



ادامه دارد

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Walinoori_afghanistan_golestaan_agwaam_۰۱.pdf